

آدرس اشتباهی مخالفان باغلی

مجید علیپور

عضو شورای سازمان معلمان گیلان

هرقدر معرفی «حسین باغلی» از سوی رئیسی به عنوان وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش تعجب آور بود؛ میزان مخالفت ها، نقدها و حملات به او عجیب تر و متحیرکننده تر بود. عده ای چنان با نگاه عاقل اندر سفیه، از ناشناس بودن این جوان و اینکه وی حتی ساختار وزارت خانه را نمی شناسد، گفتند و نوشتند؛ که اگر کسی نداند گویی این جماعتی که سال هاست در معاونت ها و دفاتر مختلف وزارتی و ادارات کل استانها حضور داشته و میز و اتاقی اشغال کرده اند، گل قابل ذکری بر سر آموزش و پرورش کشور زده و کمترین دردی از آن را دوا کرده اند.

عده ای از نداشتن تجربه معلمی او گله دارند و معتقدند وزیر می بایست خاک کلاس را خورده باشد تا درد معلم را بداند. برخی که خود با مجموع آرای 50 هزار و 60 هزار و به یمن رد صلاحیت گسترده رقبا، قیای گشاد نمایندگی مجلس را به تن کرده اند، غصه دار «مشروعیت» دولت شده اند؛ عده ای از تداوم آموزش طبقاتی می گویند و ...

البته در این میان بیانیه «سازمان معلمان ایران» که به جای ورود و دخالت غیرلازم در مصداق ها و ابراز موافقت یا مخالفت احساسی با گزینه پیشنهادی رئیسی، منافع معلمان، دانش آموزان و نیازمندی های نظام آموزش و پرورش را به دولت و وزیر آینده یادآوری و مطالبه کرد، ارزشمند و قابل تقدیر بود.

دغدغه آن دسته از همکاران که به نوعی خود را سنگ کف رودخانه می دانند و دلنگران عاقبت آموزش و تربیت کودکان ایران زمین هستند و حساب خود را از جماعتی که برای مدتی ردای وزارت، مدیرکلی و ریاست را برتن می کنند، اما چونان حباب هایی که دیر یا زود خواهند ترکید و برای همیشه فراموش می شوند، جدا می دانند، قابل درک است؛ اما آنچه غیرقابل هضم و باور است همراهی آنها با پروژه فریب و تخریب هماهنگ شده ای است که به وضوح اهدافی نامرتب با خواست ها و مطالبات جامعه فرهنگی و نیازهای آموزش و پرورش دارد.

«علی پورسلیمان» (مدیر تارنمای صدای معلم) در یکی از یادداشت های

اخیر خود به نکته جالبی اشاره کرده است: «من از این همه انتقاد و تعجب فرهنگیان در باب معرفی آقای حسین باغگلی واقعا در شگفتم. نکند انتظار داشتند آقای رئیسی؛ میرزا حسن رشديه، فرخ رو پارسا، پرویز ناتل خانلری و یا غلامحسین شکوهی را برای وزارت معرفی کند!» جای این پرسش است که به راستی آن دسته از همکاران منتقد که با جو تخریب باغگلی همراهی می کنند، منتظرند بعد از رای عدم اعتماد به او از سوی مجلس، وزیری در حد زنده یاد شکوهی و ناتل خانلری به مجلس معرفی شود؟

دنگ شیائوپینگ معمار اصلاحات اقتصادی چین گفته بود: «مهم نیست گربه سیاه باشد یا سفید؛ مهم این است که موش بگیرد» و از آنجا که گفته اند در مثل مناقشه نیست می بایست به آن دسته از همکارانی که نادانسته وارد بازی به راه انداخته شده توسط عده ای که مدت ها است خواب وزارت می بینند و با این انتخاب رئیسی، به شدت عصبانی و سرخورده شده و اکنون در پی تحریک معلمان علیه گزینه پیشنهادی او هستند، یادآور شد؛ دولت سیزدهم سیاست های کلی آشکار و اعلام شده ای در حوزه تربیتی و فرهنگی دارد و هر گزینه دیگری هم جای باغگلی معرفی شود، در آموزش و پرورش آن بر پاشنه چنان سیاست هایی خواهد چرخید.

بنابراین به جای افتادن در دام جوسازی های جماعت ناکام! لازم است به دنبال مطالبات برحق و برزمین مانده معلمان و نظام تعلیم و تربیت کشور همچون رفع تبعیض های تحقیرآمیز میان حقوق و مزایای معلمان با سایر کارمندان دولت، سرنوشت رتبه بندی، بحران نیرو به ویژه در مناطق محروم و کمتربرخوردار، آموزش در دوره کرونا، شلوغی بی اندازه کلاسها و فقر مزمین مدارس دولتی، خالی شدن ادارات از بدنه کارشناسی و ... بود و دعوی وزارت و ریاست را برای طالبانش رها کرد.

نگارنده معتقد است بی توجهی به آموزش و پرورش و رها کردن معلمان و دانش آموزان به حال خود در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی به اندازه ای عیان بود و وضعیت را به جایی رساند که با به دست گرفتن سکان این وزارت توسط هیچ جوان خام و پیر با تجربه ای، امکان ندارد از اینی که شاهدیم بدتر شود. بدترین مدیریت ها نهایتا باعث خواهند شد تا آموزش و پرورش در همین وضعیت اسفناکی که میراث حسن روحانی، محمدباقر نوبخت و محسن حاجی میرزایی (مجموع وزرای آموزش و پرورش دولت یازده و دوازده) است باقی بماند و امکان ندارد که وضعیتی بدتر از این رقم بخورد. «اکنون ز چه نالیم که در عین

بلاييم»

به نظرم ضمن آرزوی توفيق برای وزیر آینده (فارغ از نام و سابقه اش) به صورت مکرر این فراز از یادداشت «محمد داوری» (سخنگوی سازمان معلمان) را یادآوری کنیم که : « اگر دولت جدید قصد اصلاحي در آموزش و پرورش دارد، باید از آنچه دولت آقای روحاني انجام داد بپرهیزد و آنچه انجام نداد را پیگیری کند.»

#####